

«بازشناسی مؤلف کتابی که "المسترشد" خوانده می‌شود»

کاظم استادی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰)

چکیده

کتاب المسترشد که در ده‌های اخیر منتشر شده و در نوشته‌ها مورد استناد قرار گرفته، وضعیت مبهمی دارد؛ که در این نوشتار، به این ابهامات پرداخته و برخی نتایج زیر حاصل شده: اسناد حدیثی شیعه منسوب به «محمد بن جریر طبری»، غالباً به طبری عامی مورخ، مربوط هستند؛ و تا قبل از قرن ۶، هیچ نامی از «رستم طبری» در احادیث وجود ندارد؛ و البته، احادیث با نام «ابن رستم» در کتاب کنونی نیز، وجود ندارند. کتاب کنونی، از اواسط قرن ۷ مورد استناد بوده؛ و اکنون ده نسخه خطی دارد؛ که همگی متأخر و بعد از قرن ۱۱ و با منشأ واحد هستند. با توجه به دلایلی، مؤلف کتاب کنونی، ابن رستم یا طبری نیست؛ و اساساً این کتاب، المسترشد نیست. یعنی، عبارت سند حدیث اول کتاب، برخی را به اشتباه انداخته که کتاب از طبری شیعی است؛ در صورتی که منظور از این نام، طبری عامی مورخ است. همچنین، شخص طبری غیر عامی، در منابع رجالی، مجهول است؛ و ترجمه‌ای پیرامون وی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: ابن رستم طبری، المسترشد، امامت، طبری، محمد بن جریر.

مقدمه

یکی از پر مناقشه‌آمیزترین اسامی «تاریخ، حدیث و کلام» تشیع، نام «محمد بن جریر طبری» است؛ که دانشمندان رجال و تراجم، و نیز فهرست‌نگاران امامی و غیرامامی را سردرگم نموده است. کتاب‌های مختلفی به «شخصیت طبری» نسبت داده شده؛ که این نسبت‌ها در میان فهرست‌نگاران و اندیشمندان، موارد مشترک و درهم دارند [به عنوان نمونه نک: ۳۸، ص ۲۲۲؛ ۱۵، ص ۲۶]. آنچه قابل توجه است اینکه، بسیاری از متأخرین به شخصیت «طبری شیعی» پرداخته‌اند.

این نام را حداقل با سه یا چهار [نک: ۳۷، ش ۱۶ و ۱۷؛ ۲۸، ش ۳۷] شخصیت مختلف، برای قرن سوم تا پنجم، با القاب، یا پیشوند و پسوندها متنوعی توصیف نموده‌اند؛ همانند: بن یزید بن خالد الطبری العامی، بن رستم الطبری الامامی، بن رستم الطبری الآملی الصغیر، بن رستم الطبری الشیعی و...؛ البته برخی از متأخرین، برای یادکرد شخصیت طبری الشیعی، توصیفات را تجمیع نموده‌اند.

با توجه به موارد بالا، و جدای از برخی اسامی مشابه دیگر، که حاوی «محمد بن جریر» نیستند؛ خلاصه و مختصر اسامی این شخصیت‌ها، بدون ذکر توصیفات متفاوت و گاه متناقض، که منجر به انحراف ذهن می‌شوند، عبارتند از:

۱. ابوجعفر ابن جریر (صحابی امام عسکری (ع)، متوفی؟)؛
 ۲. ابوجعفر محمد بن جریر طبری (عامی مورخ، متوفی ۳۱۰ ق)؛
 ۳. ابوجعفر محمد بن جریر طبری (کبیر، منسوب به المسترشد، متوفی؟)؛
 ۴. ابوجعفر محمد بن جریر طبری (صغیر، منسوب به دلائل الامامة، متوفی؟).
- نام اول را برخی به عنوان شخصیت مستقل مطرح کرده‌اند [نک: ۲۸، ش ۳۷]؛ که در واقع شخصیت جداگانه‌ای، غیر از شخصیت چهارم نیست. احتمالاً ایشان به اعتبار دو روایت از امام حسن عسکری (ع) در دلائل الامامة [به عنوان نمونه نک: ۲۹، ص ۴۲۶]، این شخص را با عنوان «ابن جریر» جداگانه‌ای از سه «محمد بن جریر»، مطرح نموده‌اند. بنابراین، این ابوجعفر ابن جریر، را نمی‌توان شخصیت مجزا از ابوجعفرهای موجود در دلائل الامامة دانست؛ که البته همه آن ابوجعفرها نیز، مشکوک به دو شخصیت بالا هستند.

یک شخصیت دیگر از این چهار شخصیت ابن جریر، مؤلف سنی تاریخ طبری است، که البته بسیار مشهور است، و فعلاً مناقشه‌ای بر وجود تاریخی‌اش در میان نیست. اما دو شخصیت دیگر که به «ابوجعفر محمد بن جریر طبری» با مذهب امامی

توصیف شده‌اند؛ از جهات «وجود و هویت تاریخی» و نیز «انتساب آثاری به ایشان»، محل مناقشه هستند.

کتاب‌های دلایل الامامه، نوادر المعجزات، المسترشد و کتبی دیگر، به «ابوجعفر محمد بن جرید طبری» با وجه ممیز «صغیر» و «کبیر» منسوب شده‌اند [۲۵، ج ۹، ص ۹۵؛ ۱۵، ج ۸، ص ۲۴۲ و ج ۲۴، ص ۳۴۹]؛ که البته انتساب دلایل الامامه به صاحب المسترشد، توسط عده‌ای و به دلایل متعددی، مخدوش شده است [نک: ۳۹، ج ۲، ص ۹۱؛ ۲۵، ج ۸، ص ۹۵]؛ و اکنون روشن گشته است که مؤلف دلایل الامامه، «ابوجعفر محمد بن جریر طبری امامی» یا مؤلف کتاب المسترشد نیست [نک: ۱۵، ج ۸، ص ۲۴۱]؛ و اساساً تاریخ تألیف و همچنین مؤلف دلایل الامامه، مجهول است [۲۵، ج ۹، ص ۱۵۶]؛ و حداقل، طبری نیست. حتی با توجه به اینکه ترجمه‌ای از وی نمی‌توان طرح نمود؛ قبول وجود خارجی وی نیز قابل تأمل است [نک: ۱۲، ش ۵۸]. همچنین است، داستان نوادر المعجزات و انتساب آن به محمد بن جریر طبری، که با تفاوت‌هایی، همان‌گونه دانسته شده است [نک: ۱۰].

پس تا اینجای کار، تکلیف دو طبری روشن شده است؛ یکی طبری مشهور که بحثی پیرامون وی نیست؛ و یکی طبری منسوب به دلایل الامامه، که اساساً وجود خارجی ندارد، و هم، مؤلف دلایل الامامه و هم، مؤلف المسترشد نیست؛ و اساساً طبری نیست [نک: ۲۴، ش ۱۲]. اکنون یک شخصیت «ابوجعفر محمد بن جرید طبری» با قید امامی، باقی مانده است که احادیثی در کتب حدیثی از وی وجود دارد؛ و کتاب المسترشد به او منسوب شده است. جدای از این توضیحات و مقدمات که ذکر شد، آنچه در مسئله طبری‌ها لازم به توجه است، مسئله «این همانی» است که در آثار علماء اسلامی و مخصوصاً شیعی، بدان کم پرداخته شده است. به عبارت دیگر، اینکه مؤلفی کتابی داشته و نام آن در برخی منابع ذکر شده، مسئله‌ای است؛ اما اینکه کتاب حاضر و در دسترس ما، همان کتاب است، مسئله دیگری است. مثلاً اینکه، طبری نامی، کتاب المسترشد داشته، یک مسئله است؛ و اینکه این طبری، کدام طبری است؛ و یا اینکه آیا کتاب حاضر، المسترشد است یا خیر، مسئله‌های دیگری هستند. و در آخر و از همه مهم‌تر این است که: آیا این المسترشد در دسترس ما، همان المسترشد «طبری امامی» است یا خیر؟

۱. آگاهی‌های موجود و مواد خام جهت تأملات

ابتدا لازم است بدانیم که چه آگاهی‌ها و مواد خامی پیرامون المسترشد و مؤلف منسوب به آن در اختیار داریم، تا طبق همان‌ها استدلال و تأمل نماییم؛ و نه بیشتر.

اکنون این موارد، در دست ماست:

۱. نسخه‌های خطی اندکی که محتوای آن کلام و تاریخ و درباره امامت و جانشینی پس از پیامبر(ص) است؛ و ابتدای نسخه با نام «ابوجعفر محمد بن جریر» آغاز شده است. البته در لابلای متن کتاب، اسم اثر و نیز نام مؤلف تصریح نشده‌اند و شواهدی از نویسنده و نام اثر در آن وجود ندارد. حتی، نویسنده، ارجاعاتی به آثار دیگر خود یا مطالبی از ترجمه خود نداده است تا از طریق آن، هویت مؤلف به درستی مشخص گردد.
 ۲. اطلاعات بسیار اندک، و جسته و گریخته‌ای در برخی منابع رجالی و کتابشناسی، از کتاب المسترشد و نیز ترجمه اشخاصی که به «محمد بن جریر» منسوب شده‌اند، وجود دارد؛ البته در اینجا، منظور شخص «ابوجعفر طبری عامی» که شناخته شده و مشهور است، نیست.
 ۳. محدود زمانی است که می‌توانیم پیرامون آن جستجو و تأمل نماییم. به عبارت دیگر، اگر تاریخ تألیف کتابی دقیقاً ذکر نشده باشد و مؤلف نیز ناشناخته باشد، به قرائنی می‌توان محدوده‌ای را در نظر گرفت؛ و در همان محدوده، پژوهش‌ها را آغاز نمود.
- این نسخه خطی کتابی که اکنون در دسترس است و المسترشد خوانده شده، اجمالاً تاریخ نگارش و مؤلفش، حداقل قبل از قرن سوم نیست؛ چون از افراد و کتبی در تألیف اثر استفاده نموده است که مربوط به قرن سوم هستند. همچنین، تاریخ نگارش و مؤلف آن بعد از قرن ۱۱ قمری نیز نمی‌تواند باشد؛ چرا که نسخه‌های خطی موجود از آن، حداقل مربوط به قرن یازده هجری هستند. البته چون اسنادهایی به متن نسخه‌های موجود از قرن هشتم به بعد نیز وجود دارد؛ بنابراین زمان اجمالی تاریخ مؤلف و تألیف کتاب، ظاهراً ما بین قرن سوم و قرن هشتم قمری خواهد بود.
۴. از سوی دیگر، در منابع شیعی متقدم تا حدود قرن هشتم، تقریباً پنجاه عدد روایت (جدای از روایات ابوجعفر تنها، در کتاب دلایل الامامة)، از اشخاصی که با تعبیر مختلف، «محمد بن جریر» نوشته‌اند، وجود دارد.
 ۵. اتفاقاتی که پیرامون کتاب موجود و انتساب مؤلف آن، رخ داده است.
 ۶. از دیگر مواد مهمی که در اختیار داریم، احتمالات فرضی است که پیش‌روی ماست؛ و بر اساس آن می‌توانیم نظریه‌هایی را مطرح، و بررسی نماییم.
- اکنون با توضیحات بیشتر به سه مورد اخیر، یعنی شماره‌های ۴ و ۵ و ۶ می‌پردازیم:

۱.۱. اسامی و احادیث «محمد بن جریر» در منابع متقدم

نام «محمد بن جریر» در منابع عامه، بسیار مکرر ذکر شده است؛ چه منابع بی‌ارتباط به شیعه و چه منابعی که نزدیک به افکار شیعه هستند؛ همانند شواهد التزیل حسانکی.

همچنین، لازم است دقت کنیم که نام «محمد بن جریر»، در انواع نگارش و حالات مختلف در منابع شیعی متقدم آمده است. این نامبرد، شامل دو دسته هستند:

الف) ذکر نام تنها (بدون درج روایت) و یا همراه ترجمه‌ای از این نام، که برخی از آن‌ها عبارتند از: مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ؛ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ؛ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدِ الطَّبْرِيِّ. یا به همراه توصیفات اضافه همانند: الطبري الأملي، خالد الطبري الأملي، کثیر بن غالب الأملي، غالب طبري أملي

البته در برخی موارد، کنیه وی، یعنی «ابوجعفر» نیز، در اول یا آخر اسامی ذکر شده است؛ که به خاطر اختصار، به عنوان موارد جداگانه درج نکردیم.

ب) ذکر نام «محمد بن جریر» به عنوان راوی حدیث یا نقل روایتی از او. اشاره شده که در منابع حدیثی شیعی متقدم، که اکنون در دسترس هستند، یعنی قرن سوم تا حدود قرن هشتم، تقریباً حدود پنجاه عدد روایت (جدای از احادیث با عنوان «ابوجعفر»، در دلایل الامامة) از اشخاصی که با تعابیر مختلف، «محمد بن جریر» نوشته‌اند، وجود دارد [همانند: ۲۷، صص ۱۷ و ۴۳۴].

تفکیک دوره‌های یادکرد

این اسامی مورد نظر را می‌توان به دو دوره مختلف تقسیم نمود؛ اسامی راویان احادیث تا قرن ششم؛ و اسامی راویان از قرن ششم تا قرن هشتم؛ و حتی بعد از آن.

یک دوره اول

نگارش اسامی افراد تا قرن ۸ قمری، عبارتند از:

أَبُو جَعْفَرٍ؛ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ؛ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدِ الطَّبْرِيِّ؛ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ؛ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ؛ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ.

این اسامی در احادیث کتاب‌های زیر آمده‌اند:

هدایة الكبرى، شرح الاخبار، امالی صدوق (۵ بار)، خصال (۲ بار)، علل الشرايع، كفاية الاثر، امالی مفید، امالی طوسی (۱۰ بار)، مائة منقبة (۳ بار)، دلائل الامامة (۷ بار، جدای از موارد «ابوجعفر» تنها)، نوادر المعجزات (۷ بار) و بشارة المصطفى (۲ بار).

برای دقت بیشتر، به منابع و راویان و ترتیب و سیر تغییرات اسامی، جدول کل احادیث با نام «محمد بن جریر» (جدای از روایات «ابوجعفر» تنها در دلائل الامامة) از قرن سوم تا ششم ذکر می‌شود (در صفحه بعد نگاه کنید).

کتاب	۳۰+	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷
امالی طوسی ۹	جماعتہ	ابن الفضل (م ۳۷۸ق)	محمّد بن جبرئیل الطبری (م ۳۱۰ق)	محمّد بن حنیئہ الرازی	سلمة بن الفضل الأبرش	-	عبد القادر بن القاسم	عبد القادر بن القاسم	أبو الفضل
امالی طوسی ۱۰	جماعتہ	ابن الفضل (م ۳۷۸ق)	محمّد بن عنبید المصرازی	صالح بن موسی الطلیعی	عبد اللہ بن الحسن بن الحسن	-	امہ فاطمة بنت الحسن	امہ فاطمة بنت الحسن	-
ماتہ منقیہ ۱	ابن شاذان قسّی (۲م)	سہیل بن أحمد	ہناد بن السری	محمّد بن ہشام	سعد بن امی	محمّد بن المنکبر	-	-	خابر بن عبد اللہ الأصبغی (م ۳۷۸ق)
ماتہ منقیہ ۲	ابن شاذان قسّی (۲م)	سہیل بن أحمد	الحسن بن ابراہیم الغنادی	محمّد بن یعقوب الإلم	أحمد بن یحییٰ	عبد الرحمن بن مہدی	-	-	ابن عباس (م ۳۷۸ق)
ماتہ منقیہ ۳	ابن شاذان قسّی (۲م)	سہیل بن أحمد	خلف بن عقیقہ	زید بن ہلاون	محمّد بن ابراہیم بن ابراہیم بن شیبہ	-	-	-	خابر بن عبد اللہ الأصبغی (م ۳۷۸ق)
شواہد التنزیل ۱	الحاکم أبو عبد اللہ الحافظ	محمّد بن جعفر الدقاق	إسماعیل أبو الفیض القاسم بن	حسین بن حسن الأسقر	قیس بن الزبیر	الأعمش	سعد بن جبیر	ابن عباس (م ۳۷۸ق)	ابن عباس (م ۳۷۸ق)
شواہد التنزیل ۲	حسکانی (۳۸۰ق)	-	عباد بن یعقوب	الحکم بن ظہیر	السّدی	-	-	ابن عباس (م ۳۷۸ق)	ابن عباس (م ۳۷۸ق)
دلائل الامامة ۱ و نوادر المعجزات ۱	مجهول	-	أبو محمد عبد اللہ بن محمد البزوفی	عمارة بن زید	إبراہیم بن سعد	محمّد بن اسحاق	-	-	-
دلائل الامامة ۲	مجهول	-	أبو محمد	عمارة بن زید	إبراہیم بن سعد	محمّد بن اسحاق	ثقیف الیکاء	-	-
دلائل الامامة ۳	مجهول	-	عبد اللہ بن مصعب	عمارة بن زید	إبراہیم بن سعد	-	-	-	-
دلائل الامامة ۴	مجهول	-	سفيان	عمارة بن زید	إبراہیم بن سعد	-	-	-	-
دلائل الامامة ۵ و نوادر المعجزات ۵	مجهول	-	سفيان	أبيہ	-	-	-	-	-
دلائل الامامة ۶	مجهول	-	عبد اللہ بن محمد	-	-	-	-	-	-
دلائل الامامة ۷	أبو الخسین ہارون بن موسی	محمّد بن جبرئیل الطبری	عبدی بن عبد الرحمن	الخسین بن الخسین الرازی	خبر بن یزید الأسلمی و غیر بنی النّاس الکندی و بعض بنی السّاس	علی بن النّساور	علی بن الحزور	الأصبغ بن نباتة	-
نوادر المعجزات ۲	مجهول	محمد بن جبرئیل	-	-	-	-	ثقیف البکاء	-	-
نوادر المعجزات ۳ و ۶ و ۷	مجهول	أبو جعفر محمد بن جبرئیل الطبری	-	-	-	-	-	-	-
نوادر المعجزات ۴	مجهول	أبو جعفر محمد بن جبرئیل الطبری	أبو الفضل محمد بن عبد اللہ (الشیاء است)	جعفر بن مالک الرازی	إسحاق بن الحسنی	-	أبي محمد الحسن بن علی	-	-
بشار المصطفى ۱	محمّد بن سہیل القاسمی	أبو القاسم الحسن بن موسی ہارون بن موسی ہارون بن جعفر البجلي	ابن الفضل محمد بن عبد اللہ (الشیاء است)	جعفر بن مالک الرازی	إسحاق بن الحسنی	-	أبي محمد الحسن بن علی	أبوس بن مالک (م ۳۷۸ق)	أبوس بن مالک (م ۳۷۸ق)

در این میان، لازم است توجه کنیم که عنوان «طبری» در این اسناد، غالباً به طبری عامی مورخ، مربوط است؛ حتی در مواردی که به ظاهر طبری امامی فرض شده‌اند. به عنوان مثال، تعداد زیادی از مشایخ ابوجعفر طبری در کتاب دلائل الامامة، مشایخ شناخته شده طبری عامی مورخ هستند. همانند: ابومحمد سفیان بن وکیع بن جراح رؤاسی (م ۲۴۷ق)؛ و ابومحمد عبدالله بن محمد البلوی (ز ۲۵۰ق) [نک: ۲۴، ش ۱۲]. برای تأمل بیشتر این روایت از دلایل الامامة ذکر می‌شود: و أخبرنی أبو الحسين محمد بن هارون قال حدثنا أبي هارون بن موسى قال: حدثنا محمد بن جرير الطبري قال حدثنا عيسى بن عبد الرحمن قال أخبرنا الحسن بن الحسين العرنی قال حدثنا يحيى بن يعلى الاسلمی وعلی بن القاسم الكندی و يحيى بن المساور عن علی بن المساور عن علی ابن الحزور عن الاصغ بن نباتة قال: ... [۲۹، ص ۴۷۸]. همین روایت از طبری عامی مورخ، در شرح الاخبار نعمان مغربی (م ۳۶۳ق)، نقل شده است [۴۱، ص ۱۲۴]؛ و البته این سند در اسناد دو روایت دیگر طبری، دو بار در تاریخ جنگ جمل تکرار شده است [۳۰، ج ۴، ص ۵۳۲].

دو دوره دوم

جالب توجه است که از قرن ششم به بعد، اشکال اسامی جدیدی نیز به این احادیث اضافه می‌شود؛ یعنی تا قبل از قرن ششم، هیچ نامی از «رستم طبری» در احادیث محمد بن جریر وجود نداشت؛ اما پس از قرن ششم ما با این نام‌ها روبرو هستیم: ۱. مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ؛ ۲. ابْنُ جَرِيرِ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ؛ ۳. مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ؛ ۴. أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ؛ ۵. محمد بن جریر بن رستم الطبري الإمامي؛ ۶. أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ لَيْسَ التَّارِيخِيِّ. این اسامی در احادیث کتاب‌های زیر آمده‌اند: مناقب ابن شهر آشوب (۳ بار)، الامان ابن طاوس، اقبال (۲ بار)، فرج المهموم ابن طاوس (۲ بار) و العدد القویه (همین اسامی، به نقل از همین کتب، در منابع متأخر نیز تکرار شده‌اند) [همانند: ۱۷، ج ۵، ص ۴۴؛ ۱۳، ج ۷، ص ۵۷۴].

اکنون، خود این سیر تغییرات اسامی «محمد بن جریر»، قابل پژوهش هستند؛ که به چه علتی، ذکر نام در قرون مختلف، گوناگون بوده است. آیا این تغییرات در نگارش‌ها و نسخه‌برداری‌های بعدی و متأخر به نسخه‌ها افزوده شده است؛ یا اینکه این تغییرات اشکال درج راویان احادیث، توسط خود مؤلفان، به دلایلی، انجام شده است. همچنین، لازم است بدانیم که هیچ‌کدام از احادیث با نام «ابن رستم»، در کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، وجود ندارند. برای دقت بیشتر به منابع و راویان، و ترتیب و سیر تغییرات اسامی، جدول کل احادیث با نام محمد بن جریر از قرن ۶ تا ۸ ذکر می‌شود:

۳۸	مناقب ابن شهر آشوب ۱ و امالی طوسی ۲	أبو مُحَمَّد الفَحَّامُ	بِإِسْنَادِ	مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ + ۳۰۰ قمری	بِإِسْنَادِ	بِإِسْنَادِ	بِإِسْنَادِ	أَتَسُّ بْنُ مَالِكٍ (۳۲ق)
۳۹	مناقب ابن شهر آشوب ۲ و بحار و عوالم	-	-	إِبْنُ جَرِيرٍ بْنُ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ	إِسْمَاعِيلُ الطُّوسِيُّ	أَحْمَدُ الْبَصْرِيُّ	أَبِيهِ	أَبِي حَنِيشٍ الْكُوفِيِّ
۴۰	مناقب ابن شهر آشوب ۳ و بحار	-	-	إِبْنُ جَرِيرٍ بْنُ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ	أَحْمَدُ الطُّوسِيُّ	أَشْيَاخِهِ	أَشْيَاخِهِ	أَشْيَاخِهِ
۴۱	الامان ابن طاوس و اقبال ۲ و اثبات الهدی ۱	-	-	مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ	مِنْ كِتَابِ دَلَائِلِ الإِمَامَةِ	-	-	-
۴۲	فرج المهموم ابن طاوس ۱ و بحار	-	-	أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ	فِي كِتَابِ دَلَائِلِ الإِمَامَةِ	بِإِسْنَادِهِ	بِإِسْنَادِهِ	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ
۴۳	فرج المهموم ابن طاوس ۲	-	-	مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ	فِي كِتَابِ دَلَائِلِ الإِمَامَةِ	بِإِسْنَادِهِ	بِإِسْنَادِهِ	حَدِيثُهُ (۳۷ق)
۴۴	اقبال ابن طاوس ۱	-	-	مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ بْنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ الإمامی	فِي كِتَابِ دَلَائِلِ الإِمَامَةِ	-	-	-
۴۵	العدد القویه و بحار ۳ جا و عوالم	-	-	أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ بِنِ رُسْتَمِ الطَّبْرِيِّ نَيْسَابُورِيِّ	-	-	-	-

۲.۱. گزارش فرضیه احتمالی انتساب کتاب

یکی از مهم‌ترین معضلات کتاب و کتابت، نسخه‌های محدود کتاب‌ها و مستعمل شدن و ناقص بودن آن‌ها است. در بسیاری موارد اوراق ابتدایی و انتهایی کتاب‌ها بر اثر استعمال، صدمه و آسیب‌های سهوی و عمدی، از بین می‌روند. این وضعیت، شناخت مؤلف تعدادی از کتاب‌های حدیثی و دینی ما را مشکل ساخته؛ چرا که «نام و نشان» نویسندگان کتب، غالباً در صفحات ابتدایی و انتهایی کتاب‌ها وجود دارد؛ که با از بین رفتن این نشان‌ها، معمولاً مؤلف کتاب‌ها، نامشخص و مجهول خواهند شد.

در حدود قرن هفتم، نسخه‌ای از کتاب پیدا شده که بدون نام کتاب و بدون نام مؤلف بوده است. احتمالاً برخی از علماء قرن هفتم، یا برخی افراد که قصد نسخه‌برداری این کتاب، که شامل دلایلی بر امامت حضرت امیر(ع) و رد افضلیت ابوبکر است را داشته‌اند به فکر افتاده‌اند که این کتاب جالب، اثر چه شخصی است.

ایشان، شاید به سه قرینه ضعیف و ساده، نام کتاب پیدا شده را «المسترشد» و به طبع آن، مؤلف آن را «طبری» دانسته‌اند:

۱. اول نسخه کتاب (که ناقص است)، نام طبری آمده است؛ یعنی برگ اول موجود از نسخه خطی کتاب، با این جمله آغاز شده است: «قال أبو جعفر محمد بن جریر (بن رستم) بن یزید الطبری». (البته «بن رستم» در نسخ‌برداری‌های بعدی به این جمله ابتدایی نسخه، اضافه شده است).

۲. در برخی از کتب رجال متقدم، همانند رجال نجاشی، اشاره بدون توضیحاتی وجود دارد؛ که طبری نامی، کتاب المسترشد داشته است [۴۷، ص ۳۷۶].

۳. موضوع نسخه کتاب پیدا شده، امامت و رد دلایل عامه در این مسئله است. بنابراین، ایشان به این سه قرینه ضعیف و ساده، تصور نموده‌اند که نسخه پیدا شده، مثلاً همان کتاب المسترشد مطرح شده در رجال نجاشی است.

در مقدمه گذشت که باید توجه کنیم، و اکنون روشن و مشخص نماییم که منظور از کسانی که از کتاب المسترشد نام برده‌اند، کدام کتاب است و منظور از طبری، دقیقاً کدام طبری است؟ و آیا این کتاب کنونی را منظورشان بوده است یا خیر؟

مخصوصاً به اینکه ابن ندیم [۲، ص ۳۲۷] و شیخ طوسی [۳۴، ص ۲۳۹]، کتاب المسترشد را به طبری عامی نسبت داده‌اند؛ در فهرست ابن ندیم آمده است.

این موارد وقتی مبهم‌تر می‌شود که، علماء و فهرست‌نگاران تا همین اواخر، مؤلف

المسترشد و دلایل الامامة را یکی می‌دانستند [نک: ۱۵، ج ۸، ص ۲۴۱-۲۴۲]؛ و حتی برخی از علماء، اصل کتاب المسترشد و دلایل الامامة را یکی دانسته‌اند؛ همانند آنچه آقا بزرگ از بحار نقل نموده [۱۵، ج ۲۱، ص ۹].

جدای از این مسائل، اما آنچه روشن است اینکه تا قرن هفتم، یعنی تا زمان کتاب شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی (م ۶۵۶ق) [۱، ج ۲، ص ۳۶] و کشف الغمه اربلی (م ۹۲ق) [۸، ص ۸۷]، حدیث و یا مطلبی به نقل از کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، وجود ندارد؛ و همچنین دو حدیثی که در المناقب ابن شهر آشوب از کتاب المسترشد آمده است، در کتاب کنونی المسترشد، وجود ندارند [۴، ج ۲، ص ۲۹۴ و ج ۴، ص ۱۳۴]. بنابراین، اکنون لازم است مشخص شود که منظور علماء رجالی متقدم از محمد بن جریر طبری، کیست؟ و منظور از کتاب المسترشد، کدام کتاب است؟

۱. ۳. احتمالات پیش‌رو، پیرامون مسئله المسترشد و طبری

با توجه به ابهاماتی که در مقدمه و موارد قبل گذشت، و نیز با توجه به این نکته که بسیار بعید است چند نفر در تاریخ، اسامی «نام، کنیه و نام پدر و جدشان»، به صورت اتفاقی مشابه درآید، چند احتمال پیرامون شخصیت «طبری»، و نسخه کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، قابل فرض است:

۱. دو یا سه شخصیت تاریخی وجود داشته‌اند؛ که واقعاً یک نام و کنیه داشته‌اند.
۲. دو یا سه شخصیت تاریخی وجود داشته‌اند؛ که به اشتباه، با یک نام و کنیه، شناسایی شده‌اند.
۳. در واقع، یک شخصیت تاریخی وجود داشته؛ که به اشتباه، چند شخصیت تاریخی فرض شده است. یعنی در واقعیت تاریخی و خارجی، ما فقط یک «ابوجعفر محمد بن جریر طبری» داشته‌ایم.

اگر این فرضیه آخر صحیح باشد، این نکته قابل توجه است که: یا نسخه موجود و در دسترس کنونی، المسترشد هست، یا نیست. در هر دو صورت، فعلاً نسخه‌ای موجود است که به طبری منسوب شده است. بنابراین چون در فرض آخر بیان شد که یک شخصیت تاریخی به نام محمد بن جریر طبری وجود دارد، در این فرض، دو حالت متصور است: یک نسخه خطی حاضر و در دسترس (که المسترشد خوانده شده)، تألیف طبری عامی است.

دو) نسخه خطی حاضر و در دسترس (که المسترشد خوانده شده)، تألیف مؤلفی غیر از طبری است؛ یعنی اساساً به ابوجعفر طبری از هر نوعی که باشد، مربوط نیست؛ و مؤلفی مجهول و ناشناخته دارد.

از سوی دیگر، و بدون توجه به احتمالات موجود بالا، چند احتمال نیز پیرامون کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، قابل طرح است:

۱. کتاب کنونی و در دسترس، کتاب المسترشد است؛ و از آن طبری عامی است.
 ۲. کتاب کنونی و در دسترس، کتاب المسترشد است؛ و از آن طبری شیعی است.
 ۳. کتاب کنونی و در دسترس، اساساً کتاب المسترشد مطرح شده در منابع رجالی متقدم نیست، و اثری جدای از آن است؛ که مؤلف آن شناخته شده نیست.
- برای روشن شدن این احتمالات، مطالبی پیرامون مسائل مختلف کتاب، در پی می‌آید.

۲. درباره کتاب موجود و مؤلف آن

در قرن حاضر، در نوشته‌ها و مقالات گوناگون، کتابی با عناوین مختلف مطرح است؛ از جمله: المسترشد فی الامامة؛ المسترشد فی دلائل الإمامة؛ المسترشد فی إثبات الإمامة؛ المسترشد فی الثانی عشر؛ المسترشد فی امامة امیرالمؤمنین(ع)؛ المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب(ع)؛ المسترشد فی امامة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع)؛ المسترشد فی دلائل الإمامة.

المسترشد با همین عنوان، و یا با عنوان المسترشد فی الإمامة، المسترشد فی إثبات الإمامة، و المسترشد فی دلائل الإمامة، در مصادر آمده است [نک: ۴۲، ص ۳۷۶؛ ۳۴، ص ۲۳۹؛ ۵، ص ۱۴۱؛ ۱۸، ص ۲۶۶؛ ۴۰، ج ۱، ص ۴۰].

همچنین در منابع شیعه و سنی متقدم، نیز برخی از کتاب‌ها با عناوین واحد یا ضامی به دنبال آن، همانند: المسترشد فی التوحید، «المسترشد» درج شده‌اند؛ که البته با روشن بودن محتوای بیشتر آن‌ها، ابهامی در تفاوت آن کتاب‌ها، با کتاب المسترشد مورد بحث ما، باقی نمی‌ماند؛ همانند کتاب المسترشد (علی مزاعم المشبهة و المجسمة)^۱ امام ابومحمد قاسم بن ابراهیم رسی از علمای زیدیه؛ و یا آثاری همانند المسترشد فی الامامة اثر ابوالقاسم بلخی، که محتوای آن لازم است به قرائنی، با کتاب

۱. [الرسی، القاسم بن ابراهیم بن اسماعیل (۱۴۲۰ق). المسترشد علی مزاعم المشبهة و المجسمة. تحقیق: امام حنفی سیدعبدالله، دار الافاق العربية، القاهرة].

المسترشد کنونی تطبیق و بررسی شود.

یعنی برخی از کتب، تاریخچه مبهم و قابل تأملی دارند؛ مثلاً کتاب دلایل الامامة که به «طبری صغیر» منسوب شده است، از قرن پنجم تا هفتم، یعنی زمانی که سید ابن طاووس به آن پرداخته و این پرداختن اکنون محل اشکال است،^۱ مورد استفاده و یادکرد علماء نموده است و پس از سید نیز تا اوایل قرن دوازدهم، مورد استفاده نبوده است [نک: ۱۳، ج ۷، ص ۵۷۴؛ ۱۷، ج ۵، ص ۴۴]. همین وضعیت را می‌توان در کتاب المسترشد ملاحظه نمود.

به نظر می‌رسد که این تشابه اسامی کتب و نیز تشابه در نام و مرام مؤلفان و از سوی دیگر، نقص در اوراق نسخه‌های خطی کتاب‌ها، ضروری می‌نماید که تأملات بیشتری نسبت به اسامی و انتساب آثار به مؤلفان نماییم؛ که ما پیرامون کتاب المسترشد، به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲.۱. اسم کتاب موجود و المسترشد

اساس کتاب المسترشد، در منابع شیعی امامیه و سنی، کاملاً و مفصلاً شناخته شده نیست؛ و تنها اشاراتی بسیار کوتاه و مجمل به آن شده است. همچنین، محدودیت نسخه‌های کتاب موجود، که المسترشد خوانده می‌شود نیز، بیشتر بر این وضعیت دامن زده است. بنابراین تا سال چاپ کتاب، یعنی ۱۳۶۸ق، که کتاب در دسترس علماء و پژوهشگران قرار گرفت؛ اطلاع کامل و روشنی از وضعیت آن در آثار و مقالات به چشم نمی‌خورد. برای تأمل بهتر و بیشتر، مناسب است جستجویی پیرامون عنوان کتاب المسترشد در منابع متقدم داشته باشیم.

بررسی نام کتاب المسترشد در منابع متقدم

جدای از این نکات، آنچه از منابع متقدم پیرامون درج نام المسترشد در دسترس است، این‌گونه است که؛ قابلیت تفکیک به دو دوران دارد. یکی دوران ذکر نام کتاب المسترشد، بدون نقل مطلب از کتاب؛ که مشخص شود منظور از المسترشد کتاب کدام است.

۱. به نظر می‌رسد که کتاب دلایل الامامة در دست سید بن طاووس متفاوت از کتاب کنونی و موجود است [نک: سلطانی‌فر، محی‌الدین، بررسی اصالت اخبار غیرمسند کتاب دلایل الامامة، فصلنامه شیعه پژوهی، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۶ش].

این دوره شامل قرن چهار تا اواخر قرن هشتم است و دوران دیگر، دورانی است که ذکر نام المسترشد، به نقل مطلبی از کتاب است؛ که با تطبیق مطلب با کتاب کنونی در دسترس، نشان می‌دهد منظور از نام المسترشد ایشان، همین نسخه کتاب در دسترس می‌باشد.

ذکر نام کتاب المسترشد در دوران اول، عبارت است از:

الف) ابن ندیم (م ح ۳۸۰ق) در الفهرست نوشته است:

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری الآملی عمالة، علامة وقته و إمام عصره و فقیه زمانه، ولد بآمل سنة ۲۲۴ و مات فی شوال سنة ۳۱۰ و له ۸۷ سنة... کتاب القراءات، کتاب الخفیف فی الفقه لطیف، کتاب المسترشد ... [۲، ص ۳۲۷].

ب) در رجال نجاشی (م ۴۵۰ق) دو بار از المسترشد نام برده شده است [۴۲، صص ۳۷۵ و ۳۷۶].

نجاشی ضمن نام بردن از کتاب المسترشد، طریق خود را به ابن رستم، «احمد بن علی بن نوح عن الحسن بن حمزة الطبری» بیان نموده است. در اینجا نکته مهمی وجود دارد به اینکه، احادیث کنونی منقول از طبری با قید «ابن رستم» در برخی از منابع، همه و همه مرسل، البته با ارسال طویل هستند؛ و البته هیچ‌کدام نیز در کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، وجود ندارند. از سوی دیگر، احادیث طبری، بدون قید ابن رستم نیز، هیچ‌کدام از «احمد بن علی بن نوح عن الحسن بن حمزة الطبری» نیستند. بنابراین، اکنون مشخص نیست که جدای از طبری عامی، طبری مورد نظر نجاشی کیست؟ و چه ترجمه‌ای دارد و ارتباط او با احادیث کنونی موجود در منابع از ابن رستم و نیز محمد بن جریر طبری کدام است؟

ج) در فهرست طوسی (م ۴۶۰ق) نیز همین دو مورد نجاشی، البته با تفاوت بسیار مهمی در انتساب کتاب المسترشد، به طبری عامی آمده است:

۱. محمد بن قبة الرازی یکنی أبا جعفر، من متکلمی الإمامیة و حذاقهم، و کان أولاً معتزلیا، ثم انتقل إلى القول بالإمامة، و حسن طریقتہ و بصیرتہ.

وله کتب فی الإمامة، منها: کتاب الانصاف، و کتاب المستثبت نقض کتاب المسترشد لأبی القاسم البلخی، و کتاب التعریف علی الزیدية، و غیر ذلك من الکتب.

۲. محمد بن جریر بن رستم الطبری الكبير، یکنی أبا جعفر، دین فاضل، ولیاً آلہتنا هو صاحب التاریخ، فإنه عامی المذهب، وله کتب جماعة، منها کتاب المسترشد [۳۴، صص ۲۰۷ و ۲۳۹]. البته در برخی منابع، همانند بحار، این جمله طوسی تحریف شده است [۴۰، ج ۱، ص ۴۰].

همچنین، در رجال کشی نامی از کتاب المسترشد برده نشده است؛ و در رجال خود شیخ طوسی، با اینکه در باب ذکر أسماء من لم یرو عن واحد من الأئمة (ع)، اسم رستم طبری آمده، ولی ذکری از کتاب المسترشد نشده است [۳۳، ص ۴۴۹].

د) در کتاب معالم ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) نیز، همین دو مورد نجاشی و طوسی تکرار شده، البته با این تفاوت که همانند نجاشی ذکر شده و انتساب کتاب المسترشد را به طبری عامی ندانسته؛ و به محمد بن جزیر، «رستم الطبری الکبیر» افزوده شده است [۵، صص ۱۳۰ و ۱۴۱].

ابن شهر آشوب، لفظ «کبیر» را برای ابن رستم طبری، در برابر طبری عامی ذکر نموده است؛ و این هر دو ترجمه، پشت سر هم ذکر شده‌اند.

در کتاب مناقب ابن شهر آشوب، چند مطلب به نقل از کتاب المسترشد و ابن رستم طبری ذکر شده؛ که البته هر چند مطلب، در کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، نیستند [نک: ۴، ج ۲، ص ۲۹۴؛ ج ۴، ص ۱۳۴]؛ و نیز دو حدیث منقول از ابن جریر بن رستم الطبری که در صفحات ۲۶۲ و ۳۵۱ جلد چهارم مناقب آمده است؛ که البته در آن، اشاره‌ای به کتاب المسترشد نشده است.

به نظر می‌رسد که کتاب المسترشد در دست ابن شهر آشوب و مستند وی، یا عده‌ای از دانشمندان متقدم، با کتاب فعلی که المسترشد خوانده می‌شود، متفاوت و دوگانه است. یعنی، نسخه کنونی المسترشد، تنها حاوی مباحث مربوط به امام علی (ع) می‌باشد و به امامان دیگر نپرداخته است؛ ولی مثلاً از استنادات ابن شهر آشوب از کتاب ابن رستم در کتاب مناقب، مباحث مربوط به امام سجاد (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نیز استفاده؛ و در برخی موارد به اخذ آن از المسترشد نیز تصریح شده است. بنابراین، یا کتاب المسترشد مورد نظر ابن شهر آشوب، کتاب متفاوتی با کتاب المسترشد کنونی می‌باشد؛ و یا حداقل، چنین بر می‌آید که بخشی از کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، به مباحث مربوط به دیگر امامان اختصاص داشته، که اکنون مفقود، و نسخه ناقص می‌باشد.

ه) در رجال ابن داوود (متوفی قرن ۷)، با تصریح، دو طبری از هم جدا معرفی شده‌اند؛ و تأکید بر تمایز صاحب کتاب المسترشد شده است [۳، صص ۱۶۷ و ۲۷۰].

ذکر نام کتاب المسترشد در دوران دوم، عبارت است از:

الف) در شرح ابن ابی الحدید معتزلی (م ۶۵۶ ق) آمده است:

... و أما الأخبار التي رواها عن عمر فأخبار غريبة ما رأيناها في الكتب المدونة و ما وقفنا

علیها إلا من کتاب المرتضی و کتاب آخر يعرف بکتاب المسترشد لمحمد بن جریر الطبری و لیس هو محمد بن جریر صاحب التاریخ بل هو من رجال الشيعة... [۴، ج ۲، ص ۳۶].

ب) در کتاب کشف الغمه اربلی (م ۶۹۷ق) آمده:
وَمِنْ كِتَابِ الْمُسْتَرْشِدِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدِي أَوْلَاهَا إِسْلَامًا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) [۸، ص ۸۷].

این روایت در کتاب کنونی با نام المسترشد هست [۳۱، ص ۲۷۱].
ج) در کتاب صراط مستقیم نباطی بیاضی (م ۸۷۷ق) نیز آمده است:
فَقَدْ أَخْرَجَ الطَّبْرِيُّ فِي الْمُسْتَرْشِدِ: أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ كَرِهُوا ... [۱۴، ج ۲، ص ۲۹۶].

این روایت در کتاب کنونی با نام المسترشد هست [۳۱، ص ۱۱۳].
د) و کتاب‌های دیگری در قرون بعدی.

اگر اشارات ابن ابی الحدید و نیز کتاب کشف الغمه، جزء اضافات به نسخه‌های آن کتاب‌ها نباشند، به این معنی است که کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود؛ حداقل از اواسط قرن هفتم مورد استفاده و استناد بوده است.

در این میان برخی گفته‌اند که کتاب کنونی المسترشد، جز مصادر نهج البلاغه سید رضی بوده است [نک: ۳۱، ص ۷۳؛ ۲۰، ج ۱، ص ۴۰ و ج ۲، ص ۳۳۷]؛ این ادعا نادرست است. مصادیق ادعا شده، اینها هستند:

و قال (ع) أيضا في خطبة:
هلك من قارن حسدا، وقال باطلا، و والى على عداوتنا أو شك في فضلنا، أنه لا يقاس بنا آل محمد من (متن ادامه دارد...) [نک: ۳۱، ص ۳۹۹].

این متن المسترشد کنونی، جز چند کلمه، کاملاً متفاوت از متن نهج البلاغه است، که ادعای مشابهت شده است [نک: ۲۳، ص ۴۰]؛ بنابراین، این دو متن، از روی هم یا به استناد هم نوشته نشده‌اند؛ و جداگانه، با دو منع مجزا هستند؛ که ارتباطی به هم از جهت استناد ندارند.

و قال (ع) في مقام آخر قولاً قاطعاً لمن فهمه فيه لأهل المعرفة مقنع انه: يوجس موسى من نفسه خيفة أشفق (متن ادامه دارد...) [نک: ۳۱، ص ۴۰۸].

این متن المسترشد کنونی نیز، حدود ۶۰ کلمه است؛ و آن متن نهج البلاغه که ادعای مشابهت شده [نک: ۲۳، ص ۵۰]، حدود ۱۱۰ کلمه است؛ که تنها ۷ کلمه (غیر

متوالی) از جمله آخر شبیه هم هستند. دو حالت متصور است: یا نویسنده کتاب کنونی کهالمسترشد خوانده شده، مطلب کمتر را از نهج البلاغه برداشته است؛ و یا اینکه دو متن جداگانه با دو منبع مجزا هستند؛ که ارتباطی به هم از جهت استناد ندارند. نتیجه اینکه: مؤلف نهج البلاغه از کتاب کنونی کهالمسترشد خوانده می‌شود، استفاده ننموده است.

۲.۲. نسخه‌های خطی کتاب

چهار نسخه در تحقیق جناب آقای محمودی معرفی شده [۳۱، ص ۶۸]؛ دو نسخه از همان چهار نسخه آقای محمودی نیز، در فهرست فخرنا جناب آقای درایتی معرفی شده است؛ به علاوه شش نسخه جدید؛ جمعاً ده نسخه خطی، از کتاب کنونی کهالمسترشد خوانده می‌شود، شناسایی شد؛ که همگی متأخر و بعد از قرن یازدهم هجری هستند. البته با توجه به شواهد و قرائن، به نظر می‌رسد که منشأ واحد دارند و به عبارتی یک نسخه یا حداکثر دو نسخه باید محسوب گردند. نسخه خطی قدیمی کتاب منسوب به طبری عبارتند از:

- خوانسار (۱۰۷۳ق)؛ کتابخانه حوزه علمیه ولی عصر (شماره ۷۴۲۷۶۱۴/۴۸۰). خط: نسخ، کاتب: رفیع‌الدین الاردکانی الیزدی، تاریخ: ۱۰۷۳ق؛ ۱۵ سطر. [نسخه‌های خطی ولی عصر خوانسار، مجله پیام بهارستان، ش ۲۵، سال ۱۳۹۴، صص ۲۵-۳۴۴].

نسخه‌های خطی کتاب، حداقل دو مشکل اساسی دارند:

الف) نسخه‌های خطی کتاب بسیار محدود هستند؛ و نسخه متقدم ندارد. قدیمی‌ترین نسخه آن مربوط به ۱۰۷۳ق است؛ و از کل ۱۰ نسخه، ۸ نسخه آن نیز جدید و برای قرن ۱۴ هستند.

روشن نیست که چرا کتابی به قدمت ادعایی قرن چهارم هجری، این مقدار نسخه محدود دارد. شاید گفته شود که ممکن است کتابی در گوشه‌ای افتاده بوده و تازه‌یاب است، پس لاجرم هر نسخه قدیمی، الزامی ندارد که پیر نسخه باشد. این احتمال، در صورتی است که کتاب ناشناخته و مجهول در گوشه‌ای افتاده باشد؛ در صورتی که کتاب اصلیالمسترشد، از قرن چهارم شناخته شده بوده است؛ و کتاب کنونی در دسترس کهالمسترشد خوانده شده نیز، حداقل از قرن هفتم شناخته شده بوده است؛ حتی در میان برخی از اهل سنت همانند ابن ابی الحدید که از کتاب استفاده نموده است [نک: ۱، ج ۲، ص ۳۶].

بنابراین، اگر تاریخ کتاب را برای قرن ۴ قمری بدانیم، نسخه‌های خطی موجود آن بسیار اندک است و این احتمال را تقویت می‌کند که کتاب کنونی، متعلق به قرن چهارم نیست؛ و اگر کتاب کنونی را از قرن هفتم بدانیم، باز تعداد نسخه‌های خطی موجود اندک هستند؛ و این احتمال را تقویت می‌کند که کتاب مورد توجه علماء به عنوان تألیفی از عالمی همانند طبری، نبوده است.

۲. ۳. بررسی مؤلف و انتساب کتاب

کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، توسط برخی از مؤلفین و فهرست‌نویسان به «محمد بن جریر بن رستم طبری» نسبت داده شده است.

چون اکنون اطلاعات رجالی پیرامون شخص ابن رستم طبری و نیز اطلاعات فهرستی از کتب منسوب به او، به روشنی و دقت، در دسترس نیست؛ بنابراین، انتساب این کتاب به طبری (م ۳۲۲ق)، دقیقاً روشن نیست؛ و نیاز به ارائه دلایل و شواهد قوی دارد؛ که نشان دهد کتاب حاضر از اوست.

اما پیش از آن، ابتدا باید دقیقاً مشخص شود که: آیا شخصیتی با هویت تاریخی واقعی و نام ابن رستم طبری، وجود خارجی داشته است یا خیر؟ اکنون آگاهی روشن و متقدمی از چنین اطلاعاتی، در دسترس نیست.

سپس، لازم است دقیقاً مشخص شود که ابن رستم طبری، کتابی در کلام و اثبات امامت حضرت امیر(ع) داشته است یا خیر؟ در این باره نیز، اکنون آگاهی کامل و روشن و متقدمی از چنین اطلاعاتی، در دسترس نیست.

در آخر مسئله «این همانی» حائز اهمیت است؛ به عبارت ساده، از کجا بدانیم که نسخه موجود، همان کتاب تألیف شده توسط ابن رستم طبری است؟ افراد متعددی کتاب المسترشد دارند؛ بنابراین، لازم است با دلایلی مشخص شود که کتاب المسترشد موجود، همان کتاب المسترشد، نوشته ابن رستم طبری، یعنی کتابی نیست که در قرون متأخر (مثلاً قرن ۷) نوشته و یا جمع‌آوری شده و به اشتباه یا برای اعتبار بخشیدن به کتاب، به مؤلف قدیمی منتسب گشته است.

اما جدای از تصریح نام مؤلف و کتاب در نسخه‌های خطی جدید و متأخر، که اعتبار خاص و روشنی به انتساب کتاب به ابن رستم طبری نمی‌دهند (چرا که با فرض تراجم متأخر نسخه‌برداری شده‌اند و نه بر اساس نسخه‌های خطی اصیل متقدم)؛ از آن سو، دلایلی

می‌توان اقامه نمود که به عکس، نشان دهد که این کتاب از آن ابن رستم طبری نیست. نسخه‌های خطی کتاب کنونی، همه به یک یا حداکثر دو نسخه بر می‌گردند؛ که البته مهم‌ترین این نسخه‌ها، نسخه وقفی علامه مجلسی است که صفحه اول ندارد؛ و همچنین مجلسی نیز در وقفنامه نسخه، اشاره به اسم کتاب و مؤلف آن ننموده است. اگر بپذیریم که صفحات ابتدای کتاب کنونی ناقص و افتادگی ندارند؛ آنچه ظاهر است اینکه، کتاب کنونی با این جمله آغاز شده است:

قال أبو جعفر محمد بن جریر بن رستم بن یزید الطبری احتج قوم من أهل الزیغ والعداوة لله جل ذكره ولرسوله (ص) أن الخلافة لم تصلح بعد الرسول (ص) إلا لأبي بكر بن أبي قحافة ...

وجود این عبارت در ابتدای کتاب، برخی را به اشتباه انداخته؛ که پس، کتاب از «ابن رستم طبری» است؛ در صورتی که در اینجا نکته مهمی نهفته است. کتاب موجود، کتابی است کلامی که مؤلف ضمن طرح بعضی نظرات مخالفین، با طرح دلایلی به رد آن‌ها اقدام نموده است. دقیقاً در این فقرة ابتدای کتاب نیز، همین اتفاق رخ داده است.

به این نحو که، «أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید الطبری» صاحب کتاب تاریخ طبری، در جلد سوم کتاب خود، یعنی تاریخ الرسل والانبياء، حوادث سال پایانی عمر پیامبر (ص) را به شیوه‌ای نقل نموده است که گویا تمام شکوه و عظمت اسلام، در ابوبکر و عمر و عایشه خلاصه می‌شوند؛ و گویا امام علی (ع)، فاطمه (س) محبوب‌ترین دختر پیامبر (ص) و دیگر همسران پیامبر (ص)، هیچ جایگاهی در آن ایام نداشته‌اند؛ و در فرازی از فصل «ذكر الخبر عما جرى بين المهاجرين و الانصار في امر الإمارة في سقيفة بني ساعدة» می‌نویسد:

لا والله لا نتولى هذا الأمر عليك، فإنك افضل المهاجرين و ثانى اثنتين إذ هما في الغار، و خليفه رسول الله على الصلاة، و الصلاة افضل دين المسلمين، فمن ذا ينبغي له ان يتقدمك او يتولى هذا الأمر عليك ابسط يدك نبایعك [۳۰، ج ۳، ص ۲۲۱].

و مؤلف کتاب (ی که اکنون المسترشد خوانده می‌شود)، به خاطر اهمیت کتاب تاریخ طبری میان شیعه و سنی، ضمن طرح نظر طبری عامی، پیرامون خلافت ابوبکر، به رد این نظر وی، پیرامون فضیلت ابوبکر پرداخته است.

در اینجا، این سؤال مطرح می‌شود که: پس چرا در اسم ابتدایی جمله نسخه خطی

کتاب، کلمه «ابن رستم» آمده است؟ حل این معما نیز، تا حدودی آسان است؛ به این نحو که، کسانی که به اعتبار وجود اولین نام در ابتدای کتاب، مؤلف کتاب را «ابوجعفر محمد بن جریر طبری» دانسته‌اند؛ به این معنا مطلع بوده‌اند که کتاب دلایل امامت حضرت امیر(ع) و رد خلافت ابوبکر، نمی‌تواند نوشته یک «سنی مذهب» باشد؛ پس تصور نموده‌اند این طبری، باید امامی باشد؛ بنابراین در نسخه‌برداری‌های خود، یک «ابن رستم» به عبارت ابتدای نسخه کتاب افزوده‌اند؛ و عمداً یا سهواً تصور نموده‌اند که نویسنده کتاب، حتماً «ابن رستم طبری شیعی» است و نه «طبری عامی».

همین‌جا این نکته نیز قابل توجه است که اگر به روش برخی از نرم‌اندیشان، بخواهیم هر کتابی را به اولین اسم موجود در کتاب، نسبت دهیم؛ این روش در کتاب‌هایی که اوراقشان افتادگی دارد، معضلی خواهد شد. مثلاً اگر همین کتابی که المسترشد خوانده می‌شود، دو ورق دیگر نسخه‌اش نیز در طول زمان افتادگی پیدا می‌نمود؛ مطلب دومی که از نویسنده ظاهر می‌شود و به رد آن پرداخته است، از شخص ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ق) است، که:

حدث الواقدي وهو أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد الواقدي قال حدثنا ابن أبي الزناد عن هشام بن عروة عن أبيه قال: كان أبو بكر فيهم [۳۱، ص ۱۱۵].
بنابراین طبق آن قاعده ساده‌اندیشانه، مؤلف نسخه کتاب کنونی، شخص واقدی می‌گشت.

۲. ۴. بررسی نام «محمد بن جریر بن رستم طبری» و ترجمه او

در منابع شیعی متقدم تا قرن هشتم، احادیث اندکی از «محمد بن جریر» وجود دارد؛ که پیش‌تر ذکر شد؛ و اشاره شد که بیشتر این روایات، از شخص طبری عامی معروف هستند. اما با توجه به اینکه نام ابن رستم طبری نیز در منابع شیعی مطرح است؛ لازم است این نام را در منابع رجالی شیعه جستجو کنیم؛ و ببینیم آیا جدای از درج نام، ترجمه‌ای نیز از وی در کتب رجالی و شرح حال، برای او وجود دارد یا خیر؟
الف) در رجال نجاشی (م ۴۵۰ق)، جدای از نام طبری عامی [۴۲، ص ۳۲۲]، نام ابن رستم طبری نیز مطرح شده است؛ و این اولین کتابی است که این نام در آن آمده است [۴۲، ص ۳۷۶].

ب) خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) در تاریخ بغداد، از أبو جعفر أحمد بن محمد بن رستم الطبری النحوی [۲۱، ج ۵، ص ۳۳۳؛ ج ۱۰، ص ۴۱۰؛ ج ۲۱، ص ۱۱۶]، نام برده است که

ارتباطی مستقیمی با نام مورد بحث ندارد؛ و فقط جهت اطلاع از تشابه و امکان تحریف و تصحیف در موضوع، ذکر شد.

ج) در رجال کشی نوشته شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نیز از ابن رستم طبری و المسترشد، نامی برده نشده است؛ و تنها از طبری عامی یاد شده است [۳۲، ص ۱۹۷]. اما در رجال شیخ طوسی، باب ذکر أسماء من لم یرو عن واحد من الأئمة (ع) اسم رستم طبری آمده است:

محمد بن جریر بن رستم الطبری ، ولیس بصاحب التاریخ [۳۳، ص ۴۴۹].

اما از کتاب المسترشد خبری نیست.

در فهرست طوسی، سه ذکر از «محمد بن جریر» شده است [۳۴، صص ۲۳۹ و ۳۲۹ و ۳۳۲]:

۱. محمد بن جریر بن رستم الطبری الکبیر، یکنی أبا جعفر، دین فاضل، ولیاً‌الہتنا هو صاحب التاریخ، فإنه عامی المذهب، وله کتب جماعة، منها کتاب المسترشد؛

۲. محمد بن جریر الطبری = مجهول باین الکامل؛

۳. محمد بن جریر بن رستم الطبری = مجهول.

اگر نسخه الفهرست تصحیف نشده باشد، این نامبردها را سه‌گونه می‌توان در نظر گرفت؛ یا هر دو یا هر سه یک شخص هستند؛ و تناقضی در گفتار شیخ حاصل شده؛ و یا این‌ها، دو یا سه شخص هم‌نام هستند؛ و یا این اسامی و تفاوت آن‌ها، بر اثر تحریفات یا اضافات نسخه‌نویسی از کتاب الفهرست، ایجاد شده است. در هر صورت، اگر عدم تحریف و تعدد افراد با نام محمد بن جریر را در الفهرست بپذیریم، آنچه مهم می‌باشد این است که در متن وی، انتساب کتاب المسترشد، برای «طبری عامی» مسلم دانسته شده است.

د) منتجب الدین رازی (م ۴۶۳ق) در الفهرست [۲۲، ص ۱۰۷] از «عماد الدین محمد بن ابی القاسم بن محمد بن علی الطبری الاملی الکجی»، و نیز ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در معالم [۵، ص ۱۱۹]، از «محمد بن القاسم الکجی الطبری» نام برده‌اند.

این عنوان نیز، ارتباطی مستقیمی با نام مورد بحث نوشتار ما ندارد؛ و فقط جهت اطلاع از تشابه و امکان تحریف و تصحیف در موضوع، ذکر شد.

ه) در معالم ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) نیز، طبری عامی از ابن رستم تفکیک شده‌اند [۵، ص ۱۰۶].

در اینجا روشن است که کتاب دلایل الامامة که اکنون در دسترس است؛ از آن ابن رستم طبری نیست؛ به قرینه، جای این پرسش است که: آیا المسترشد مطرح شده

توسط ابن شهر آشوب، کتاب کنونی است، که المسترشد خوانده می‌شود؟
 (و در فهرست منتجب‌الدین (ح ۶۰۰ق) مطلبی پیرامون محمد بن جریر و نیز رستم طبری و کتاب المسترشد، نیامده؛ اما ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان خود، مطلبی به نقل از کتاب تاریخ ری منتجب‌الدین، آورده است [۳۵، ج ۵، ص ۱۰۳].
 ز) در رجال ابن داوود حلی (م قرن ۷) دو طبری تفکیک شده، به نقل از کتب رجالی قبلی همانند نجاشی و ... درج شده است [۳، ص ۲۷۰].
 ح) در خلاصه الاقوال حلی (م ۷۲۶ق) نیز، همان مطالب قبلی تکرار شده است [۱۸، ج ۱، ص ۲۶۵].

جدای از تناقضات موجود پیرامون نام «محمد بن جریر طبری» در منابع رجالی متقدم، روش است که حداقل، شخص «محمد بن جریر بن رستم طبری» غیر عامی، در منابع رجالی شیعه، ناشناخته و مجهول است؛ و ترجمه و اطلاعات خاصی پیرامون وی وجود ندارد.

تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست؛ مگر بعضی از متأخرین همانند عمر رضا کحالة که وفات او را ۳۱۰ق (همانند طبری عامی) ذکر نموده‌اند. همچنین، فهرست‌نگاران و شرح‌حال نویسان متأخر، فقط تلاش کرده‌اند تا از حواشی روایات احادیث منسوب به محمد بن جریر، برای او اطاعتی ایجاد نمایند؛ که اطلاعات اندک و غیرروشنی به دست داده‌اند.

حداکثر مطلبی که پیرامون ترجمه وی مطرح شده است، این است که، نجاشی طریق خود را به ابن رستم، به «حسن بن حمزه طبری» ختم نموده است؛ و اگر وفات وی، ۳۵۸ قمری باشد؛ بنابراین حیات ابن رستم، احتمالاً نیمه دوم قرن سوم و یا اوایل قرن چهارم است.

از طرف دیگر، روایاتی نیز که در منابع دیگر از محمد بن جریر طبری وجود دارد، دو دسته هستند؛ آن‌هایی که مشخص است از طبری عامی است، و آن‌هایی که اجمال دارند؛ این روایات نیز از راویان قبل و بعد مجهول برخوردارند؛ که نمی‌توان به راحتی از نسبت راویان به محمد بن جریر، وضعیت ترجمه شخصیت طبری غیر عامی را روشن نمود.
 از سوی آخر، کتاب‌هایی نیز به ابن رستم طبری منسوب شده است؛^۱ که موجود

۱. [در مورد آثار دیگری که به ابن رستم طبری نسبت داده شده، نک: تهرانی، آقابزرگ، الذریعة، دارالأضواء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، صص ۲۷-۲۸ و ج ۲۲ ص ۳۳۲ و ج ۲۴، ص ۳۴۹].

نیستند و انتساب آن‌ها همانند همین کتاب المسترشد، روشن نیست. جدای از آن، برخی از این تألیفات به گونه‌ای مبهم، مشترک با تألیفات طبری عامی هستند [۳۷، ش ۱۶، صص ۱۱۶ و ۹۴].

نتیجه‌گیری

اسناد حدیثی شیعه منسوب به «محمد بن جریر طبری»، غالباً به طبری عامی مورخ، مربوط است؛ حتی در مواردی که به ظاهر طبری امامی فرض شده‌اند. به عنوان مثال، تعداد زیادی از مشایخ ابوجعفر طبری در کتاب دلائل الامامة، مشایخ شناخته شده طبری عامی مورخ هستند.

تا قبل از قرن ششم، هیچ نامی از «رستم طبری» در احادیث محمد بن جریر وجود ندارد. همچنین، هیچ‌کدام از احادیث با نام «ابن‌رستم»، در کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، وجود ندارند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که اساساً کتاب المسترشد در دست ابن‌شهر آشوب و مستند وی، یا عده‌ای از دانشمندان متقدم، با کتاب فعلی که المسترشد خوانده می‌شود، متفاوت و دوگانه هستند.

اگر اشارات ابن ابی‌الحدید و نیز کتاب کشف الغمه، جزء اضافات به نسخه‌های آن کتاب‌ها نباشند، به این معنی است که کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود؛ از اواسط قرن هفتم مورد استفاده و استناد بوده است. هر چند که برخی گفته‌اند که کتاب کنونی المسترشد، جز مصادر نهج‌البلاغه سید رضی بوده است؛ که این ادعا نادرست است. پیرامون مؤلف کتاب کنونی، باید گفت که عبارت اسم طبری در ابتدای کتاب، برخی را به اشتباه انداخته؛ که کتاب از «ابن‌رستم طبری» است؛ در صورتی که این تصور اشتباه است؛ و نام ابتدای نسخه، نام طبری عامی مورخ است.

جدای از تناقضات موجود پیرامون نام «محمد بن جریر طبری» در منابع رجالی متقدم، روش است که حداقل، شخص «محمد بن جریر بن رستم طبری» غیر عامی، در منابع رجالی شیعه، ناشناخته و مجهول است؛ و ترجمه و اطلاعات خاصی پیرامون وی وجود ندارد. از طرف دیگر، روایاتی نیز که در منابع دیگر از محمد بن جریر طبری وجود دارد، دو دسته هستند؛ آن‌هایی که مشخص است از طبری عامی است، و آن‌هایی که اجمال دارند؛ این روایات نیز از روایان قبل و بعد مجهول برخوردارند؛ که نمی‌توان به راحتی از نسبت روایان به محمد بن جریر، وضعیت ترجمه شخصیت طبری غیر عامی را روشن نمود.

کتاب کنونی، جمعاً ده نسخه خطی دارد؛ که همگی متأخر و بعد از قرن یازدهم هجری هستند، و همه منشأ واحد دارند؛ و به عبارتی یک نسخه یا حداکثر دو نسخه باید محسوب گردند. بنابراین، نسخه‌های خطی کتاب بسیار محدود هستند؛ و روشن نیست که چرا کتابی به قدمت ادعایی قرن چهارم هجری، این مقدار نسخه محدود دارد؛ که تازه از کل ۱۰ نسخه، ۸ نسخه آن، بسیار جدید و برای قرن ۱۴ هستند.

با توجه به اینکه مطالب استنادی ابن شهر آشوب در کتاب کنونی نیست؛ و همچنین با توجه به اینکه احادیث ابن رستم طبری و نیز محمد بن جریر طبری در منابع دیگر، در کتاب کنونی که المسترشد خوانده می‌شود، وجود ندارند؛ به نظر می‌رسد که: (۱) مؤلف کتاب که المسترشد خوانده شده، ابن رستم یا طبری نیست؛ (۲) کتاب کنونی، اساساً المسترشد، نیست؛ و به اشتباه آن را المسترشد خوانده‌اند.

منابع

- [۱]. ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة. قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- [۲]. ابن‌الندیم، محمد بن اسحاق (۴۱۷ق). الفهرست. بیروت، دارالمعرفة.
- [۳]. ابن داوود حلی، حسن (۱۳۹۲ق). رجال ابن داوود. نجف، مطبعة الحیدریة.
- [۴]. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ق). المناقب. قم، نشر علامه.
- [۵]. ابن شهر آشوب (۴). معالم العلماء. نجف، المطبعة الحیدریة.
- [۶]. ابن طاووس، علی بن موسی (۴۰۹ق). الأمان. قم، آل‌البيت (ع).
- [۷]. ابن طاووس، علی بن موسی (۴۱۳ق)، البقین، قم: دارالکتاب.
- [۸]. اربلی، علی بن عیسی (۴۲۱ق). کشف الغمة. قم، رضی.
- [۹]. الامین‌العاملی، محسن (۴۲۰ق). اعیان الشیعة. بیروت، دارالتعارف.
- [۱۰]. انصاری، حسن (۱۳۸۶ش). نوادر المعجزات؛ کتابی غیر اصیل. سایت بررسی‌های تاریخی، مهر ماه.
- [۱۱]. انصاری، حسن (۱۳۹۴ش). ابن رستم طبری، متکلمی امامی با گرایش‌های معتزلی که نمی‌تواند نویسنده الايضاح باشد. سایت بررسی‌های تاریخی، دی ماه.
- [۱۲]. انصاری، محمدرضا (۱۳۷۳ش). «طبری سوم و کتاب دلایل الامامه». کیهان اندیشه، شماره ۵۸.
- [۱۳]. البحرانی، هاشم (۴). مدینة معاجز. قم، المعارف الإسلامية.
- [۱۴]. بیاضی، علی (۱۳۸۴ق). الصراط المستقیم. نجف، المكتبة الحیدریة.
- [۱۵]. نهرانی، آقابزرگ (۴۰۳ق). الذریعة. بیروت، دار الأضواء، بیروت.
- [۱۶]. حرعاملی، محمد (۴). أمل الأمل. بغداد، مكتبة الأندلس.
- [۱۷]. حرعاملی، محمد (۴). اثبات الهداة. قم، چاپخانه علمیه؛ نیز: همان (۴۲۵ق). بیروت، موسسة اعلمی.

- [۱۸]. حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۱۷ق). خلاصة الأقوال. قم، النشر الفقاهة.
- [۱۹]. خصیبي، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). الهدایة الكبرى. بیروت، البلاغ.
- [۲۰]. الخطیب، عبدالزهرء (۱۴۰۵ق). مصادر نهج البلاغة. بیروت، دارالاضواء.
- [۲۱]. الخطیب البغدادی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان.
- [۲۲]. رازی، منتجب الدین (۱۳۶۶ش). الفهرست. قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- [۲۳]. رضی (؟). نهج البلاغة. تحقیق: الحسون، (بی نا).
- [۲۴]. سلطانی فر، محی الدین (۱۳۹۶ش). «بررسی اصالت اخبار غیر مسند کتاب دلائل الامامه». شیعه-پژوهی، شماره ۱۲، پاییز.
- [۲۵]. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. قم، النشر الإسلامی.
- [۲۶]. شوشتری، محمدتقی (؟). الاخبار الدخيلة. تهران، مكتبة الصدوق.
- [۲۷]. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران، کتابچی.
- [۲۸]. صفری فروشانی، نعمت اله (۱۳۸۴ش). «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه». علوم حدیث، پاییز ش ۳۷.
- [۲۹]. الطبری، محمدبن جریر (۱۳۸۳ق). دلائل الامامة. قم، دارالذخائر؛ نیز: (۱۴۱۳ق). قم، چاپ بعثت.
- [۳۰]. الطبری، ابن جریر (۱۹۶۷م). تاریخ الأمم و الملوك. بیروت، دارالتراث.
- [۳۱]. الطبری، (منسوب به) محمدبن جریر (۱۴۱۵ق). المسترشد. تحقیق: محمودی، تهران، الثقافة الاسلامیة.
- [۳۲]. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۲ق). إختیار معرفة الرجال. قم، آل البيت (ع).
- [۳۳]. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۵ق). رجال الطوسی. قم، نشر اسلامی.
- [۳۴]. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق). الفهرست. (بی نا).
- [۳۵]. العسقلانی، ابن حجر (؟). لسان المیزان. (بی نا).
- [۳۶]. کحاله، عمر رضا (؟). معجم المؤلفین. بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۳۷]. الکعبی، علی موسی (۱۴۲۵ق). الطبریون نظرة فی المتفق و المفترق. علوم الحدیث، رجب و ذوالحجة، العدد ۱۶؛ نیز: (۱۴۲۶ق)، محرم، العدد ۱۷.
- [۳۸]. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱ش). کتابخانه ابن طاووس. قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- [۳۹]. مامقانی، محی الدین (۱۴۳۱ق). تنقیح المقال. قم، آل البيت؛ نیز: چاپ سنگی، نجف.
- [۴۰]. مجلسی، محمدباقر (؟). بحار الأنوار. بیروت، مؤسسة الوفاء.
- [۴۱]. مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۱۴ق). شرح الأخبار. قم، نشر اسلامی.
- [۴۲]. النجاشی، أبو العباس (؟). رجال النجاشی. (بی نا).

